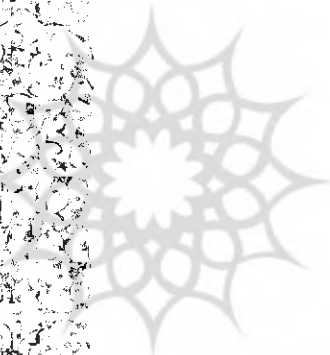


# ضمائم



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مظاہر  
پرنسپل جامعہ علوم اسلامیہ



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### مدیر محترم مجله بررسیهای تاریخی

پس از ابراز احترام بنا به خواسته آن مجله در بخش «خوانندگان و ما» شماره ۳ سال دهم در باره پاسخ آقای جان - ر - پری که اکنون در بخش تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک دانشگاه شیکاگو تدریس مینمایند، بنده با وجود کمی وقت پاسخ انتقاد ایشان را فراهم کرده و بحضورتان ارسال میدارم .

آقای پری نوشته اند که ایشان چندین سال است سرگرم بررسی دوره زندیه هستند. موجب کمال خرسندی است ولی باعث خرسندی بیشتر خواهد بود چنانچه آقای پری کتاب خود را بزودی در دسترس همگان بگذارند تا از آن استفاده کرده و مورد قضاوت قرارش دهند.

اما نکاتی در باره انتقادات ایشان :

آقای پری نوشته اند: «... آقای روشن ضمیر با نقل از گلشن مراد اثرا بوالحسن غفاری ادعا مینماید (ص ۶۸) که در سال ۱۱۸۰ هجری (۱۷۶۶-۶۷ میلادی) یک گروه نمایندگی تجار تی روسیه در شیراز بخدمت کریم خان زند رسید. اینکه مولف گلشن مراد نماینده مزبور را به «ایلچی پادشاه خورشید کلاه روس» مشخص مینماید درست است ولی چون اسم همان شخص را مستر اسکپ مینویسد احتمال

بر آن می‌رود که بایک نفر انگلیسی - نه روسی - کار داریم ! ولی در واقع از مضمون نامه‌های محفوظ در آرشیو کمپانی هند شرقی انگلیس . . . و نیز از آرشیو ملی فرانسه . . . معلوم می‌شود که در همان سال یک نماینده کمپانی انگلیس بنام جورج اسکپ در شیراز بخدمت وکیل زند رسید . . . .»

آقای جان پری سپس ادامه داده‌اند «... غفاری هر طور باشد تابعیت این نماینده را غلط نوشته است».

از آقای جان پری بسیار سپاسگزارم چون بدینوسیله بار دیگر یکی از نیرنگهای سیاسی و ناجوانمردانه عمال شرکت هند شرقی انگلیس را برملا نموده و بما معرفی کرده‌اند .

آقای جان پری، غفاری تابعیت این نماینده را غلط نوشته است بلکه وی فقط به گفته‌های فریب دهنده جورج اسکپ، که خود را «ایلچی پادشاه روس» معرفی نموده بوده اعتماد کرده است .

شما نوشته‌اید «... بایک نفر انگلیسی - نه روسی - کار داریم» حال چنانچه گزارشات آرشیو کمپانی هند شرقی انگلیس و آرشیو ملی فرانسه را باور داریم باز هم شما نمیتوانید نوشته‌های غفاری را غلط بنامید بلکه گزارشهای دو آرشیو نامبرده غیر قابل اطمینان میباشند چون در آن موقع سالها بود که اتباع انگلیس و فرانسه از ایران رفته و یا رانده شده بودند. چنانچه شما به منابع و مآخذ ایرانی اعتمادی ندارید و روایتهای مورخان ایرانی را نادرست میدانید بد نیست به سفرنامه کارستن نیبور Carsten Niebuhr که در آن زمان مدتها در ایران بسر میبرده است مراجعه بفرمائید .<sup>۱</sup> نیبور مینویسد که «هیچیک از فرانسوی‌ها در ایران نمانده‌اند و از انگلیسها هم تنها یک تاجر

1— Reisebeschreibung nach Arabien und andern umliegenden Ländern. Kopenhagen 1774, Bd. II, S. 94 .

بنام جرویس Jervis در بوشهر باقی مانده است.»<sup>۲</sup>  
 در اینصورت چگونه میتوان به گزارشات آرشیو کمپانی هند شرقی انگلیس یا آرشیو ملی فرانسه اعتماد کرد. این گزارشها توسط کدام انگلیسی یا فرانسوی نوشته شده اند؟  
 از آن مهمتر، جناب آقای جان پری مگر خود شما در صفحه ۱۴۷ مقالهتان در نشریه :

*Le Monde Iranien et L'Islam, Tome I, Genève-Paris 1971*

نوشته اند که کمپانی هند شرقی (در پائیز ۱۷۶۶) اطلاعات خود را، از اوضاع سیاسی شیراز و دربار کریمخان، توسط یکی از **بازرگانان کازرون** دریافت میداشته است.  
 جنابعالی چنین نوشته اید :

«The Company learned through a merchant at Kazarun that Shaykh Salman's son had recently presented Karim Khan at Shiraz with extravagant gifts ...»

آقای جان پری خود شمام که به این امر اشاره کرده اید که انگلیسها در آن زمان اطلاعات سیاسی خود را از یکی از بازرگانان کازرون کسب میکرده اند پس چطور به گزارشات کمپانی هند شرقی اعتماد میکنید؟

از این مطلب میگذریم ولی لازم است که اظهار شود که در آن زمان در کشور روسیه، این امری عادی بوده است که نمایندگان بازرگانی یا سیاسی را اغلب از رجال غیر روسی انتخاب بنمایند و این مطلب برای هر مورخ اروپائی کاملاً آشکار است که در دوران مورد بحث ما بسیاری از نمایندگان بازرگانی و سیاسی حتی افسران

2— Ibid, S. 94.

جرویس نامبرده در آنزمان مشغول خرید و جمع آوری نسخ خطی فارسی نیز بوده است .

ارتش روسیه، آلمانی‌الاصل و یا فرانسوی بوده‌اند، حال چه مانعی دارد اگر یکبار هم یکنفر انگلیسی چنین مأموریتی را کسب کرده باشد؟ دیگر اینکه اگر هم ناچار باشیم گزارشات کمپانی هند شرقی انگلیس را قبول کنیم، همانطور که در بالا بدان اشاره شد، بار دیگر بایکی دیگر از خیمه‌شب‌بازیمهای عمال کمپانی هند شرقی انگلیس آشنا میشویم. بسیار خوب ماقبول داریم که مستر جورج اسکپ انگلیسی بوده است. ولی وی چون میدانسته است که در آن زمان عمال کمپانی هند شرقی انگلیس مورد نفرت کریم‌خان زند بوده‌اند، برای راه یافتن به دربار کریم‌خان، سیاستی مدبرانه بکار برده و بنام «ایلچی خورشید کلاه روس» وارد ایران شده است. البته این امکان هم وجود دارد که وی واقعاً از دولت روس چنین مأموریتی را بدست آورده بوده است.

اما شما که درباره دودمان زندیه مطالعاتی دارید مسلماً آگاهی دارید که روابط میان کریم‌خان زند و شرکت هند شرقی انگلیس در آن سالها بسیار تیره بوده است و از پایان سال ۱۷۶۵ میلادی کریم‌خان زند بسبب خیانت‌های پی‌درپی عمال انگلیسی، نسبت به نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس بدبین شده بود و آنها را طرد کرده بود.

در سال ۱۱۸۰ هجری (۱۷۶۶-۶۷ میلادی) یعنی درست در همان زمانی که بگفته شما «مستراسکپ انگلیسی» به ایران وارد شده است، نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس به شیراز آمده و مدت پنج ماه در آنجا توقف کردند تا شاید بتوانند بحضور کریم‌خان شرفیاب شوند ولی شهریار زیرک زند به تقاضاهای آنها ترتیب اثر نداده و اجازه نداد تا بملاقاتش بروند. یا بگفته رستم‌الحکما، کریم‌خان گفته بوده است «... و گفت دانستم مطلب ایشانرا، میخواهند

بریشخند و لطایف‌العیل پادشاهی ایران رامالك و متصرف گردند چنانکه ممالك هندوستان را بنده و مکرو تزویر ... بچنگ آوردند<sup>۳</sup> یکی از منابع مهم دیگر کرونيك کار ملیت‌ها میباشد که در این باره چنین نوشته است: <sup>۴</sup>

«... he (Karim Khan) is disgusted with European, believing that the English befooled him ...»

«... because the Regent, being disgusted with the English...»

در سالهای ۱۷۶۸ و ۱۷۶۹ میلادی هم بدبینی کریم‌خان نسبت به نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس به آنجا رسیده بود که نمایندگان انگلیسی ناچار شدند آخرین مرکز بازرگانی خود یعنی بوشهر را نیز ترک نمایند.<sup>۵</sup>

در حال با این وصف مسلم است که یکنفر انگلیسی جرأت آنرا نداشته است که بحضور کریم‌خان باریابد و بهمین سبب مستراسکپ از راه دیگر وارد شده است یعنی بنام « ایلچی پادشاه خورشید کلاه روس» به ایران آمده و بحضور کریم‌خان رفته است.

آقای جان پری در صفحه ۲۴۷ نوشته اند «... تا آنجا که بررسی کرده‌ام هیچیک از منابع دیگر از وجود ارتباط دیپلوماسی بین ایران و روسیه در دوره زندیه - قبل از زمان علیمراد خان... - خبری ندارد و اگر چنین تماس بود البته انگلیسها و فرانسویها که فعالیت‌های رقیبشان را تحت نظر داشتند فوری بآن پی برده و آنرا ذکر میکردند.» در پاسخ عرض میشود:

روسمها از اوایل سده ۱۷ میلادی با دولت ایران روابط سیاسی

۳- رستم‌التواریخ نسخه خطی برلین برگ ۳۸۷ ب

4— A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission of the XVIIth and XVIIIth centuries, London 1939, P. 666-668 .

5— A Chronicle..., P. 669/ Wilson Arnold: The Persian Gulf, P. 183/ J. B. Kelly: Britain and the Persian Gulf, Oxford 1968, P. 53 .

و بازرگانی داشته و سفرائی به این کشور میفرستاده اند و بازرگانان روسی از آن به بعد به سبب استفاده های کلان و سرشاری که نصیبشان میشد، در امر بازرگانی در ایران، کوشش بسیار فراوانی میکردند که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری مینمایم.

در سال ۱۷۱۷ میلادی به دولت روسیه حق داده شده بود که يك کنسولگری دائمی در ایران افتتاح نمایند. پس از مرگ نادرشاه، یعنی مدتی پیش از روی کار آمدن کریم خان زند، منافع بازرگانان روسی در ایران باندازه رسیده بود که مورد حسادت فرانسویان قرار گرفته بودند.<sup>۶</sup>

کارل هبلیتسل Karl Hablitzl، که نامی آلمانی دارد، و در سالهای ۱۷۷۳ و ۱۷۷۴ میلادی در گیلان بسر می برده است، در کتابی که بزبان آلمانی، درباره سرزمین گیلان و کوهستانهای گیلان نوشته و به سال ۱۷۸۳ میلادی در روسیه یعنی در St. Petersburg بچاپ رسانیده است، درباره بازرگانان روسی که پس از مرگ نادرشاه در شمال ایران کار میکرده اند، مطالب مهمی نوشته و حتی نام یکی از کنسولهای بازرگانی روسیه از جمله Gawrielo Semenowitsch Bogolubow را ذکر کرده است.<sup>۷</sup>

آقای جان پری شما نوشته اید «منابع دیگر از وجود ارتباط دیپلوماسی بین ایران و روسیه... خبری ندارد و اگر چنین تماس

6— Kazem Sadr: Relation de l'Iran avec l'Europe... Paris 1938, P. 231 .  
Karl Hablitzl: Bemerkungen in der persischen Landschaft Gilan und auf den gilanischen Bergen in den Jahren 1773-4, St. Petersburg 1783, S. 26f .

7— K. Hablitzl: Bemerkun..., S. 26f./ G. A. Olivier: Reise durch das türkische Reich, Egypten und Iran während der Jahre 1792 bis 1809, Bd. 3, S. 189.



بود البته انگلیسها و فرانسویها... فوری بآن پی برده و آنرا ذکر میکردند.

در پاسخ با اطلاعاتان میرسانم، همانطور که گفته شد، منابع از این ارتباط خبر دارند علت آن هم آنست که جنابعالی فقط به گزارشات و کتب انگلیسها و فرانسویها اهمیت میدید و کتابهای شرقیان، از جمله گلشن مراد را «غلط» خطاب میکنید ولی من تعجب میکنم که چرا شما به کتبی که بزبان آلمانی نوشته شده‌اند رجوع نکرده‌اید؟ بهر حال بد نیست نظری به کتبی که توسط

Karl Hablizl , Gustav Krahmer , Alexander N. Sanders , Bernhard Dorn

و غیره که بنده در پایان مقاله خود ذکر نموده‌ام رجوع بفرمائید . آنها خبر دارند !!

دیگر آنکه با در نظر گرفتن مطالب بالا چون در زمان مورد بحث ما حتی یکنفر فرانسوی در ایران نبوده و بگفته خود شما «کمپانی هند شرقی انگلیس اخبار خود را توسط یکی از بازرگانان اهل کازرون دریافت میکرده است» پس انگلیسها چطور میتوانند فوری (!! ) به آن پی برده و آنرا ذکر نمایند ؟

آقای جان پری در جای دیگر به این مطلب که کریم خان زند فرمانی بنام فتحعلی خان قبه‌ای حاکم در بند صادر کرده و در آن او را مأمور جلوگیری از حمله روسها (از راه ایران) به عثمانی نموده است، ایراد گرفته و چنین مرقوم فرموده‌اند «نسبت به این روایت چندین اعتراض بخودی خود بنظر میرسد... از دلایل دیگر واضح میگردد که اختیار وکیل زند در شمال آذربایجان و قفقاز آنقدر نبوده تا بر امرای مستقل و یانیم مستقل از قبیل فتحعلی خان در بندی... امر ونهی داشته باشد.»

آقای جان پری شما نوشته‌اید «از دلایل دیگر واضح میشود» کدام

دلیل؟ چرا نام نبرده‌اید؟ اگر شما منابع و مآخذ ایرانی از جمله مجمل‌التواریخ (نسخه خطی برلین برگ ۲۸۰ الف بیعد) و رستم-التواریخ (نسخه خطی برلین برگ ۳۷۷ ب بیعد) را قبول ندارید لطفاً به کتب اروپائیان از جمله :

- Alexander Nikuradse Sanders : *Kaukasien* , München 1942 /  
 Krahmer Gustav : *Die Beziehungen Russlands zu Persian...*, Leipzig 1903/  
 Hablzl Karl : *Bemerkungen in der persischen Landschaft Gilan...*/  
 Bernhard Dorn : *Beiträge zur Geschichte der kaukasischen Länder und Völker...* ed. Leipzig 1967 .  
 Jakob Reineggs : *Allgemeine historisch - topographische Beschreibung des Kaukasus*, Gothae u. St. Petersburg 1796 .

و غیره که همه از منابع و مآخذ معتبر میباشند مراجعه فرمائید آقای جان پری اگر روایات مورخان ایرانی بنظر جنابعالی نادرست میباشند و کریم خان زند در ایالت شمالی آذربایجان و قفقاز اختیاردخالت نداشته است و «از آن کم اطلاع داشته» به چه دلیل حکام آن نواحی پیوسته با ارسال هدایا و تحف، اطاعت و فرمانبرداری خود را اظهار میداشته‌اند ؟

چرا پرنس آلکساندر برادرزاده و اختانگک ششم که یکی از شاهزادگان گرجستان بوده در دربار کریم خان زند بسر می برده است ؟ از آن مهمتر به چه دلیل حکام شهرهای تفلیس، نخجوان ، گنجه و غیره سکه ها را بنام کریم خان زند ضرب میکرده‌اند ؟  
 برای مشاهده سکه های نامبرده لطفاً به کتابهای :

- Poole, Reginald : *The Coins of the Shâhs of Persia*  
 Rabino di Borgomale : *Coins, Medals, and Seals of the Shâhs of Iran*  
 Manvelichvili Alexandre : *Histoire de Géorgie*

مراجعه فرمائید، امیدوارم سکه های مزبور را (که بهترین مدرک و نشانه بوجود قدرت سیاسی و نفوذ کریم خان زند در آن صفحات بوده است) نیز نادرست بحساب نیاورید .

آقای جان پری در پایان مقاله خود نوشته‌اند «چنین مینماید که آقای روشن ضمیر برای شرح ایشان از این حوادث - که بطور کلی روایتی صحیح و معقول است - در مطالعه مواد اروپائی بیشتر از مآخذ ثانوی استفاده و بآن اعتماد کرده‌اند»

آقای جان پری لطفاً بار دیگر به‌زیر نویسهای مقالات بنده و همچنین به‌کتبی که از آنها استفاده نموده و در پایان مقالات همیشه از آنها نام برده‌ام مراجعه بفرمائید تا ادعای خود را پس بگیرید.

**مهدی روشن‌ضمیر**

(دانشگاه ملی ایران - تهران)



آقای عبدالامیر ناصحی یادداشتی در مورد مقاله افشارهای اسدآباد (که در شماره ۵۷ مجله بررسیهای تاریخی صفحه ۲۴۵ درج گردیده بود) بدفتر مجله ارسال داشته اند. ضمن تشکر از ایشان عین نامه آقای ناصحی و پاسخ آقای ابوالحسن جمالی اسدآبادی را (نگارنده مقاله یاد شده بالا) جهت اطلاع علاقمندان چاپ مینمائیم.

**بررسیهای تاریخی**

### **هیئت تحریریه مجله گرامی بررسیهای تاریخی را زحمت افزا است**

در صفحه ۲۴۵ شماره ۵۷ آن مجله شرحی در مورد افشارهای اسدآباد بقلم آقای ابوالحسن جمالی اسدآبادی مندرج است. اینک عرایضی چند درباره آن:

۱- مهدی بامداد در صفحه ۱۱۶ جلد ۲ شرح حال رجال (تألیف خود) کلمه زهرمارخان را شهرت نصراله خان دانسته در حالتی که مطابق مقاله فوق نصراله خان برادر زهرمارخان بوده و تصور می رود صحیح همین باشد، چون هر یک از این دو نفر بطور علیحده فرزندان دارند. حالا بی مناسبت نیست که نویسنده محترم مقاله که علاقه بموضوع دارند همتی فرموده تحقیق بیشتری در این موضوع مبذول داشته و ما را از این اشتباه بیرون آورند.

و نیز اگر میسر باشد نام پدر سلیمان خان را که پسر نصراله-خان باشد معلوم فرمایند

۲- نام پسرخانلارخان محمدحسن خان است و این همان کسی است که در سال ۱۳۰۵ هجری قمری تذکره ریاض العارفین (تألیف رضاقلی خان هدایت لله باشی) را بخرج خود در تهران برای اولین بار چاپ کرده است.

دو قطعه تصویر سیاه قلم (کارا بوترا ب غفاری) از محمدحسن خان در اواخر کتاب مزبور قرار داده شده که از اغلب نسخ آن کتاب کهنه شده است.

**با درود بی پایان - عبدالامیر ناصحی**

### سر دبیر محترم مجله بررسی‌های تاریخی

راجع به چند فقره پرسش آقای عبدالامیر ناصحی آنچه در مورد تقاضای نویسنده محترم میدانند بشرح زیر عرضه میدارند.

۱- زهرمارخان پدر کلب علیخان حسام‌الملک و نیای محمدحسن- خان سرتیپ است نوشته جناب آقای مهدی بامداد ممکن است ناشی از اشتباه خبری باشد که در این مورد دیگران بایشان داده باشند مانند خود من که عسکرخان عموی حسنخان را اشتباهاً برادر او قلمداد کردم.

۲- نصراله‌خان پدر سلیمان خان است و در مقاله اینجانب مندرج در شماره دوم سال دهم مجله بررسی‌های تاریخی تصریحاً ذکر شده اگر منظور نویسنده محترم تعیین نام پدر نصراله‌خان و برادران او که اسامی آنها در مقاله مزبور هست باشد اطلاع درستی ندارم شاید بعدها فرصتی پیدا کرده تحقیق کنم و نتیجه را بنویسم ولی این را دانسته و میدانم که افشارهای کنگاور هم از ریشه افشار قاسم‌لو بوده و با افشارهای صفحه اسدآباد نسبت‌های سببی داشته و دارند.

۳- محمد حسنخان پسرخان‌لر خان سرتیپ که اشاره فرموده‌اند این همان کسی است که در سال ۱۳۰۵ هجری قمری تذکره ریاض- العارفین تألیف رضا قلیخان هدایت لله باشی را بخرج خود در طهران برای اولین بار چاپ کرده صحیح است اما اینکه چرا عکس‌های قلمی بانی چاپ در بعضی از نسخ هست و در بعضی نیست درست است ولی سبب آنرا ندانستم شاید این کار ناشی از طرف ناشر کتاب بوده باشد. در هر حال این نکته را برای جلب نظر نویسنده محترم اضافه مینماید محمدحسن خان سرتیپ بعد از خفه کردن عسکرخان عموی خود در معرض مزاحمت و ایراد بعضی از دولتیان واقع و چندی در طهران ماندگار میشود در این موقعیت دوستان و آشنایان او که میدانستند